

## به نام الله پاسدار حرمت خون شهیدان

### زندگی‌نامه سردار رشید اسلام شهید مسعود پرویز

شهید مسعود پرویز در سال ۱۳۳۱ در شهرستان قزوین در خانواده‌ای مذهبی به دنیا آمد. خانواده متدین و مذهبی مراحل سیر تکامل زندگی این شهید و الامقام را به گونه‌ای تربیت کرد که از همان دوران کودکی با عشق و علاقه به اسلام وائمه اطهار علیه السلام و خصوصاً باعشق حضرت صاحب الزمان (عج) رشد نمود و بارور شد. شهید مسعود پرویز در کنار تحصیل، فعالیت‌های فرهنگی و مبارزاتی خود را نیز شروع کرد. راه‌اندازی کتابفروشی و تکثیر و توزیع اعلامیه‌ها و عکسهای حضرت امام (ره) در آن شرایط خفقان ستمشاهی، نشانگر روح انقلابی و اسلامی این سرباز جوان و فداکار امام و اسلام بود. باگسترش حرکت مردم مسلمان ایران بر علیه رژیم طاغوت، فعالیت‌های ایشان نیز گسترده‌تر شد، شرکت در تظاهرات، یاری و کمک رسانی به مردم محروم و گشت شبانه برای امنیت شهر از جمله این فعالیت‌ها بود. شهید مسعود پرویز یکی از مؤسسين سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در قزوین بود. او با احساس نیاز به انجام خدمات

شبانه‌روزی، کار کتابفروشی را رها کرد و تمامی وقت خود را صرف انجام مأموریت‌های محوله در پاسداری از انقلاب اسلامی و در مبارزه با ضد انقلاب داخلی و خارجی نمود. او در سپاه در کنار مأموریت‌های نظامی، برای مسائل فرهنگی مانند ارتباط برادران پاسدار با روحانیت متعهد، برگزاری نماز جماعت اهمیت خاصی قائل بود.

شروع جنگ تحمیلی، روح عاشق و سودایی این سرباز اسلام را آن چنان تسخیر کرد که از همان اوایل به جبهه‌های نبرد اعزام شد، کرمانشاه، قصر شیرین، ایلام و میمک از روزهای آغاز تجاوز دشمن و از اولین گروه‌های اعزامی برای مقابله با دشمن متجاوز و از این شهید بزرگوار خاطرات زیادی در سینه دارد.

در بهار سال ۱۳۶۰ وقتی برای مقابله با دشمن متجاوز به همراه هم‌زمانش به میمک می‌روند، بر اثر اصابت خمپاره، بعد از شهادت دوستانش با عنایت حضرت ولی عصر (عج) و پس از چهار روز زخمی در بین دشمن، دوباره به میان رزمندگان بر می‌گردد تا به قول خودش این بار برای گرفتن نمره ۲۰ آماده جانفشانی شود.

او همیشه فرمان حضرت امام (ره) را مبنی بر حضور در جبهه بر هر کار دیگری حتی ازدواج مقدم می‌داشت ولی با تقدیر الهی یار و همسفر این راه سخت و پرنج را آن چنان که خودش از خدا خواسته بود، انتخاب کرد و چه نیکو انتخابی که همیشه مشوق او در رفتن به جبهه و ادای تکلیف الهی بود.

زندگی ساده و بی پیرایه، خانه استیجاری، همه دنیایی بود که او برای رفتن و گذشتن از آن انتخاب کرده بود. روحیه نظامی، اخلاق برادرانه، سبقت در کارهای پر خطر و روح عاشق و طالب شهادت این شهید بزرگوار باعث شد که خیلی زود در قلوب رزمندگان اسلام و فرماندهان نفوذ کند تا اینکه به عنوان فرمانده گردان قدس از لشکر ۱۷ علی بن ابیطالب (ع) انتخاب شد.

سرانجام در تیرماه سال ۶۱، در عملیات رمضان و در بیست و یکم ماه مبارک رمضان در تأسی به مولا و مقتدای خود، پس از مجاهدتی خستگی ناپذیر در خطوط مقدم نبرد با دشمن متجاوز در راه زیارت و راه سید و سالار شهیدان مزد سالهای جهاد و مبارزه خود را گرفت و در سفری عاشقانه به وصال محبوب رسید و بزرگترین آرزوی محقق شد. نام و یاد این سرباز اسلام و قرآن بر تارک استان قزوین در کنار دیگر ستارگان این طریقت همواره می درخشد.